

الغدیر

[322] ومن شعره الفارسي قوله: از گفتهء مصطفیٰ امام است سه چار * از روی چه گوئی که

امام است چهار نشناسی اگر سه چار حق را ناچار * خواهی بعداب ایزدی گشت دو چار دلیل
رفعت شأن علی اگر خواهی * باین کلام دمی گوش خویشتن میدار چو خواست مادرش از بهر زادنش
جائی * درون خانه خاصش بداد جا ستار پس آن مطهرة با احترام داخل شد * در آن مقام مقدس
بزاد مریم وار برون چو خواست که آید پس از چهارم روز * ندا شنید که [نامش برو علی
بگذار] فدای نام چنین زادهء بود جانم * چنین امام گزینید یا اولی الانصار ومن رباعیاته:
آی مانده ز کعبهء محبت مهجور * افتاده ز راه مهر صد منزل دور با حب عمر دم مزن از مهر
نبی * کی جمع توان نمود با ظلمت نور؟ وله: بما رسیده حدیث صحیح مصطفوی * که هست بعد
پیمبر امام هشت و چهار کسی نکرده زامت بدین حدیث عمل * بغیر پیرو آل وائمهء أطهار وله:
آی طالب علم دین ز من گیر خبر * تا چند دوی در بدر آی خسته جگر خود را برسان بشهر علم
آی غافل * شو داخل آن شهر ولیکن از در وله: نبی چو وارد (خم) گشت بر سر منبر * خلیفه
کرد علی را بکفتهء جبار نهاد بر سر او تاج وال من والاه * زامتش بکرفت از برای وی اقرار
ولیک آنکه به بخیخ نمود تهنیتش * بکرد از پی اقرار خویشتن انکار فتاد بر سر حارث زغیب
سنک قضا * چو گشت منکر نص غدیر آن غدار ومن رباعیاته: از دوری راه خویشتن یادی کن *
آماده ز بهر سفرت زادی کن از بی کسی مردن خود یاد آور * در ماتم خود نشین و فریادی کن
